



محمد مهدی مظاهری
استاد دانشگاه

توافقنامه احیای روابط دیپلماتیک بین عربستان سعودی و ایران از میانجیگری چین در اسفند ۱۴۰۱، یکی از مهم‌ترین رویدادهای منطقه غرب آسیا در سال‌های اخیر بوده است. اگرچه مذاکرات برای احیای روابط طرفین نزدیک به دو سال در جریان بود، اما سرانجام موفقیت چین در میانجیگری و به نتیجه رساندن تلاش‌ها برای آشتی دو قدرت اصلی منطقه، تحولی جریان ساز در غرب آسیا را کلید زد و به نظر می‌رسد این توافق و آشتی سیاسی، نه تنها در سطح منطقه، بلکه در مقیاس جهانی نیز دارای اثرگذاری خواهد بود. هر چند تحرکات و فعالیت‌های چند ماه اخیر ایران و عربستان برای بازگشایی سفارتخانه‌ها، همکاری در مسأله حج و بهبود روابط با سایر کشورهای منطقه (عربستان با سوریه و ایران با مصر و کشورهای حوزه خلیج فارس) تا حدی پیامدهای زود هنگام این آشتی را مشخص ساخته، اما سؤال کلیدی این است که این آشتی سیاسی تا چه حد پایدار است و آیا دربردارنده تأثیرات و پیامدهای استراتژیک نیز هست؟ برای درک و تحلیل این مسأله، ابتدا باید نیت و هدف دو طرف از کنار گذاشتن اختلافات بهبود و توسعه را دریافت. از سوی ایران باید گفت آشتی و توسعه روابط با عربستان به منظور دستیابی به اهداف و منافع ذیل دنبال شد: کاهش تنش‌های منطقه‌ای و بهبود روابط با همسایگان به ویژه اعراب خلیج فارس؛ جلوگیری از شکل‌گیری یک جبهه جدید عربی-عربی - عربی علیه ایران؛ ایجاد یک تحول اساسی در سیاست خارجی برای کاهش بحران‌های اقتصادی-اجتماعی داخلی؛ تلاش برای کاهش تأثیر تحریم‌ها یا دسترسی به منابع مالی کشورهای خلیج فارس؛ جلوگیری از اقدامات خصمانه، تفرقه افکنانه و تجزیه طلبانه کانال «ایران اینترنشنال» تحت حمایت عربستان؛ جلوگیری از همکاری بیشتر اعراب خلیج فارس با اسرائیل و توسعه پیمان ابراهیم؛ خارج کردن ایران از جایگاه دشمن کشورهای اسلامی و بازگرداندن مسأله فلسطین به مرکز توجه جهان اسلام؛ بازداشتن عربستان از حمایت گروه‌های جدایی طلب و دیگر مخالفان ایران. در مقابل عربستان سعودی نیز منافع و اهداف متعددی در پایان دادن به دشمنی با جمهوری اسلامی ایران داشت که از آن قبیل می‌توان به پایان دادن به چالش‌ها و رقابت‌های پرهزینه با ایران به منظور تمرکز بر رهبرد تبدیل عربستان به هاب اقتصادی-تورستی در منطقه و جهان؛ پیش‌دستی و کسب آمادگی برای شرایط بعد از توافق احتمالی دولت بایدن با ایران و بازگشت آمریکا به برجام؛ نمایش قدرت و استقلال عربستان در عرصه سیاست خارجی و تحریک دولت آمریکا به مداخلات بیشتر در برابر این کشور؛ متقاعد کردن دولت آمریکا برای حفظ حضور نسبی در خلیج فارس از طریق ایجاد نگرانی در خصوص جایگزینی این کشور با چین؛ افزایش حضور و نفوذ در سوریه و حفظ این کشور عربی از افتادن کامل کشور به چینه مقاومت؛ مہار و کنترل اقدامات گروه‌های شیعه طرفدار ایران در کشورهای مختلف منطقه علیه منافع عربستان؛ جلوگیری از تکرار حوادثی همچون حملات موشکی حوثی‌ها به دیناسبت نفتی عربستان (آرامکو) که منجر به توقف نیمی از تولید نفت خام این کشور شد اشاره کرد. بر این اساس با توجه به جایگاه کلیدی عربستان و ایران در منطقه غرب آسیا و منافع متقابل طرفین در بهبود و توسعه روابط، انتظار می‌رود چنانچه دو طرف روند عادی سازی و بهبود روابط را با موفقیت مدیریت کنند و پیش‌برند، به زودی شاهد حل و فصل مشکلات مزمن در منطقه از جمله بحران اقتصادی-لیسان، جنگ یمن و مشکلات حاکمیتی در سوریه خواهیم بود. از سوی دیگر آشتی سیاسی ایران و عربستان دارای پیامدهای بین‌المللی نیز بوده خواهد بود؛ در ماجرای بهبود روابط ایران و عربستان، چین برنده قاطع صلح سازی در خاور میانه گردید و به یک اعتبار جهانی دست یافت، در نتیجه نه تنها پایه قدرت نرم افزاری چین تقویت شد، بلکه مشکلات سخت افزاری آن در تأمین انرژی امن و مداوم برای صنایع پیشرو و قدرتمند خود نیز تقویت گردید. بنابراین آشتی ایران و عربستان برگ برنده‌ای برای چین بود و در آینده نزدیک نیز به توسعه قدرت و نفوذ این کشور در عرصه بین‌المللی کمک خواهد کرد. البته، ضمن توجه به قدرت مهم اقتصادی و دیپلماتیک چین در منطقه، باید به این نکته نیز اشاره کرد که چین در حال حاضر تمایلی برای ایفای نقشی که آمریکا سابقاً در خاور میانه ایفا می‌کرد، ندارد. مقامات یکن به دلیل اولویتی که برای توسعه اقتصادی قائل هستند، نمی‌خواهند فعالانه در درگیری‌های منطقه غرب آسیا ورود کنند و حتی ترجیح می‌دهند آمریکا حضور سنتی خود در خلیج فارس را ادامه دهد و امنیت این منطقه را به طور رایگان برای آنها تأمین کند. از سوی دیگر، متعاقب آشتی سیاسی ایران و عربستان، فضا سازی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز تا حدودی کاهش پیدا کرد و با ترک برداشتن سیاست منزوی سازی ایران، تابوی توسعه روابط با جمهوری اسلامی نیز شکسته شد؛ در این راستا جایگاه کلیدی عربستان در جهان عرب و بین کشورهای اسلامی و استقبال این کشور از بهبود روابط با ایران، چراغ سبزی برای سایر کشورهای عربی از جمله مصر بود تا به بهبود روابط خود با ایران بپردازند؛ روندی که می‌تواند به توسعه روابط ایران با کشورهای اثرگذار آفریقایی نیز کمک کند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: ۲۰۰ محله کم برخوردار در سطح کشور شناسایی شده که ۱۶۷ محله با جمعیت ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از لحاظ محرومیت در طبقه خیلی شدید قرار دارند. علی‌آقاحمدی درباره شناسایی ۲ هزار و ۲۰۰ محله کم برخوردار در کشور اظهار داشت: ۲ هزار و ۲۰۰ محله با حدود جمعیتی ۲۰ میلیون نفر در سراسر کشور شناسایی شدند از جمله محله‌های کم برخوردار کشور هستند و با همکاری نهادهای دستگاه‌های متعدد اقداماتی انجام شده تا شاهد بازآفرینی شهری در آن مناطق باشیم. رئیس ستاد توانمندسازی محلات کم برخوردار ادامه داد: این محله‌ها توسط سازمان‌های دولتی و نهادهای شناسایی شدند و هزار و ۳۲۰ محله را سازمان بازآفرینی شهری شناسایی کرده و مابقی محله‌ها توسط گزارش سایر نهادهای شناسایی شدند.

برنامه هفتم توسعه

یک شب از یک برنامه با کیفیت است



برنامه هفتم توسعه از کیفیت لازم برخوردار نیست

برنامه هفتم توسعه دارای تناقض است

شوگ درمانی

میزان فقر را در جامعه

بیشتر می‌کند

دهه ۱۳۹۰ ظرف کمتر از سه سال، اندازه جمعیت فقیر کشور دو برابر شده است. مانند همین مسأله برای محیط زیست وجود دارد. گزارش‌های رسمی می‌گویند در سه سال اخیر، ایران حدود ۶۶ تریه در رنکنینگ بین‌المللی به سمت بحران زده‌ترین کشورها در زمینه محیط زیستی سقوط کرده است. در واقع تغییر اقلیمی که به واسطه این سهل‌انگاری‌ها به محیط زیست تحمیل شده، باعث شده است که در معرض چه فجایع عظیمی باشیم. اگر از مسیر علم وارد شویم می‌توانیم نجات یابیم. این است که به این مسأله توجه نکرده است. من بارها هشدار داده‌ام که شوگ نرخ حامل‌های انرژی، کمر تولید و مردم و مالیه دولت را می‌شکند. از نقطه عطف ۸۹ تا امروز یکی از مولفه‌های پس‌افتادگی و وابستگی، همین شوک‌های گاه و بیگاه است که به حامل‌های انرژی وارد می‌کنند و چه می‌کنند اگر شوک بززند، پول بیشتر در می‌آورند. در حالی که طبق گزارش رسمی سازمان برنامه بودجه به ازای هر واحد اضافه درآمد از ناحیه شوگ درمانی، هزینه‌های دولت سه و نیم برابر بیشتر می‌شود. چرا به‌رغم الزام قانونی، دولت‌ها محترم چندین سال است شرم می‌کنند که بگویند چقدر بدهکار هستند و هزار جور ابزار پیدا کرده‌اند، برای اینکه میزان بدهی واقعی را پنهان کنند. سیستمی که قادر نباشد مسائل اصلی خود را تشخیص دهد در عوض مسائل دم دستی را در اولویت قرار می‌دهد.

به همین دلیل تنها به دنبال اقتناع افکار عمومی در زمینه اقتصادی هستند؟

در اقتصاد سیاسی بین‌المللی می‌گویند نزول رابطه مبادله به معنای سقوط توان رقابت و توان مقاومت اقتصاد ملی است. ما می‌سابقه‌ترین افت‌ها را در سه دهه گذشته تجربه کرده‌ایم؛ درست مثل ماجرای فقر و محیط زیست. شدت سقوط در دهه ۱۳۹۰ از شدت سقوط ۶۸ تا ۹۰ به مراتب بیشتر است یعنی هم شکنندگی بیشتر شده و هم دوره زمانی بازتولید بحران‌ها شدت گرفته است؛ این‌ها را رها کرده‌اند. جامعه‌ای که در کمتر از سه سال، تعداد جمعیت فقیرش دو برابر می‌شود، حالا سیاست‌های فقرزای خود را شدت بخشیده و من در زمان بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۲ نشان دادم که با اجرای این لایحه، توان مالی دولت برای محرومیت‌زدایی به غیر از عائله خود به صفر می‌رسد.

گویا سیستم سنسورهای خود را از دست داده است. با وجود آنکه سی و چند سال شوگ درمانی اجرا شده و هر سال دریغ از پارسال شده است، باز تمایل به شوگ درمانی دارند. جالب است که در این سند ادعا کرده که یکی از اسناد بالادست ما سیاست‌های کلی برنامه هفتم است. طنز تلخ ماجرای این است که سند سیاست‌های کلی برنامه هفتم بعد از ۲۲ شهر یور منتشر شده است. وقتی ماجرا را از شایسته‌گرنی و شفافیت به یک ترجیحات دیگر برمی‌گردانند از این ماجرا هم پیش می‌آید.

این آشفتگی و انواع و گونه‌هایش در ساحت نظر و عمل و اجرا را به خوبی می‌توان مشاهده کرد. در جای دیگری می‌گویند هدف ما پیشرفت عدالت محور است؛ در جایی دیگر می‌گویند رشد فراگیر و در جایی دیگر می‌گویند دانش‌بنیان؛ در حالی که آنها که الفبای برنامه‌ریزی و توسعه را می‌فهمند می‌دانند که این اهداف در جاهایی متعارض می‌شوند یعنی دوستان هم‌زمان همه چیزهای خوب را هدف کرده‌اند در حالی که هیچ گزارشی از شرایط فعلی ارائه نشده است.

حالی که هیچ گزارشی از شرایط فعلی ارائه نشده است. یعنی این قفسیه در سند لایحه برنامه هم هست. دیگر اینکه در این سند می‌گویند این سه؛ هدف هستند، در بعضی جاها می‌گویند رویکرد هستند، بعد این‌ها را به عنوان رویکرد در کنار رویکردهای دیگری می‌گذارند. نکته دیگر؛ تناقض‌هایی است که وجود دارد؛ این سند در مجموعه‌ای که به یکدستی در حاکمیت افتخار می‌کنند، تهیه شده است ولی بعداً می‌گویند ما می‌خواهیم نقش استان‌ها و مشارکت‌شان را تقویت کنیم و نقش استان‌ها را تقویت کنیم و می‌خواهیم حمایت اجتماعی را افزایش دهیم اما چه جوری؟ تکلیفش روشن نیست. نکته بعدی این است که در این سند آمده که یکسری کلان‌روندها و ویژگی‌های برنامه‌ریزی و الزام رویکردهای اتخاذ شده و مبانی نظری ادعایی را مطرح کرده است اما هیچ کدام با هیچ کدام دیگر، رابطه‌اش روشن نیست و تلخ‌ترین قسمت، این است که روندهای آن بخش کلان، عیناً یکی از گزارشی است که مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرده بود.

آرمان ملی - احسان انصاری: برنامه هفتم توسعه که با تاخیر و سر و صدای زیاد حامیان دولت تنظیم شده دارای چه نقاط ضعف و قوتی است و به چه میزان با واقعیت‌های جامعه امروز ایران و چالش‌های آن همخوانی دارد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ و تحلیل این موضوع با دکتر فرشاد مومنی، اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. مومنی معتقد است: «طنز تلخ ماجرا این است که سند سیاست‌های کلی برنامه هفتم بعد از ۲۲ شهر یور منتشر شده است. وقتی ماجرا را از شایسته‌گرنی و شفافیت به یک ترجیحات دیگر برمی‌گردانند از این ماجرا هم پیش می‌آید. این آشفتگی و انواع و گونه‌هایش در ساحت نظر و عمل و اجرا را به خوبی می‌توان مشاهده کرد. در جایی می‌گویند هدف ما پیشرفت عدالت محور است؛ در جایی دیگر می‌گویند رشد فراگیر و در جایی دیگر می‌گویند دانش‌بنیان؛ در حالی که آنها که الفبای برنامه‌ریزی و توسعه را می‌فهمند می‌دانند که این اهداف در جاهایی متعارض می‌شوند یعنی دوستان هم‌زمان همه چیزهای خوب را هدف کرده‌اند در حالی که هیچ گزارشی از شرایط فعلی ارائه نشده است.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

برنامه هفتم توسعه دارای چه نقاط قوت و ضعفی است؟

برخی شواهد حاکی از آن است که سیستم مدیریتی از بعد اندیشه دارای ضعف‌هایی است و به جای آنکه بایسته‌های حل مسأله را در دستور کار قرار دهند، در مسیر معکوس حرکت می‌کنند و این رافع مسئولیت ما نیست و سعی می‌کنیم به سهم خود وظیفه تاریخی خود را انجام دهیم. در شرایط کنونی، یک برنامه با کیفیت توسعه می‌تواند منشأ خیرهای بسیار بزرگ شود و بسیاری از محدودیت‌ها و محرومیت‌های کشور را به حداقل برساند. از نظر ما در شرایط فعلی یکی از مهم‌ترین کارکردهای برنامه با کیفیت توسعه، این است که می‌تواند منجر به تقویت حس ملی شود.

همه گزارش‌های رسمی انتشار یافته با عنوان «سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» نشان می‌دهد که به خاطر برخی نابخردی‌ها، رانت‌ها و اختلاس‌ها، مشارکت‌زدایی‌ها و خطاهایی در عرصه سیاست خارجی، کشور ما با مشکل اعتماد روبه‌روست و یک برنامه با کیفیت در شرایطی که تعداد بحران‌های رویاروی سیستم، از حدود متعارف فراتر رفته و در همه عرصه‌های حیات جمعی انعکاس دارد و نیز وقتی ما با روند نگران‌کننده در هم تنیدگی بحران‌ها روبه‌رو هستیم؛ یک برنامه با کیفیت که به مسائل حیاتی و تهدیدهای حاد داخلی و خارجی بپردازد، می‌تواند برای کشور منشأ خیرهای بزرگ باشد. مسأله بسیار حیاتی دیگر این است که حتی در گزارش‌های رسمی، احساس نگرانی نسبت به امید به آینده وجود دارد.

در حالی که اگر ما یک برنامه با کیفیت داشته باشیم و در آن نشان دهیم با انباشت ذخیره دانایی کشور می‌توان به خطاهای اصلی و کانون‌های اصلی شکل دهنده به وضع موجود رسید و سازوکارهای امیدوارکننده برای برون‌رفت از آنها را طرح کرد و این امید به آینده ایجاد می‌کند. به‌واسطه سلطه برخی مناسبات رانتی نظام تصمیم‌گیری و مدیریت کشور از یک روزمرگی نامتعارفی در رنج است و یک برنامه با کیفیت توسعه می‌تواند آکسیری برای برون‌رفت از همه این گرفتاری‌ها باشد و اهمیت این مسأله به ویژه از این ناحیه جدی‌تر می‌شود که ما با یک روند‌های به غایت نگران‌کننده واگرایی‌ها روبه‌رو هستیم. حتی آنچه در گزارش‌های رسمی درباره این روند‌ها مشاهده می‌شود به اندازه‌ای نگران‌کننده است که باید برانگیزاننده باشد و این لوازمی دارد که همه آنها در برنامه‌های با کیفیت جایگاه بسته دارند.

ایا مشخصاتی که از یک برنامه با کیفیت عنوان کردید در برنامه توسعه هفتم وجود دارد؟

در این سند به جای برنامه با کیفیت شاهد یک شب از یک سند با کیفیت هستیم و همه از این مسأله لطمه می‌بینیم. کوشش ما این است که به اندازه توانمان کمک کنیم که به عزیزان بگویم که این شیوه برنامه‌ریزی شایسته جامعه‌ای نیست که ۱۴ میلیون از جمعیتش تحصیلات دانشگاهی دارند و همان‌طور که شایسته جامعه‌ای با این شدت بحران‌ها نیست و طنز تلخ ماجرا این است که ما مظهریت‌های دانایی‌مان برای برون‌رفت از این شرایط کافی بوده و این مشخصه‌های نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور که در اسناد رسمی هم منتشر شده است.

در چارچوب برنامه‌ریزی توسعه مهم‌ترین مسأله ایجاد وفای جمعی درباره حیاتی‌ترین دور باطل اصلی یعنی بازتولید کنندگی توسعه نیافتگی است. مجموعه مطالعات نزدیک به ۵۰ ساله من درباره ریشه‌های مداوم توسعه نیافتگی در ایران می‌گویند هیچ عنصری در طول تاریخ ایران به اندازه خصلت شوگ زندگی جامعه، عامل این مسأله نیست. نظام

طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده روز پنجشنبه نشست شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی برجام و اجرای قطعنامه ۲۳۳۱ برگزار شد. آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد، در پانزدهمین گزارش خود پیش از برگزاری نشست، «با بیان اینکه برجام همچنان بهترین گزینه است، از آمریکا خواست تحریم‌ها علیه تهران را لغو و معافیت‌ها درباره تجارت نفت ایران را تمدید کند.» مطابق قطعنامه ۲۳۳۱، هر شش ماه یک بار گزارش دبیرکل سازمان ملل در نشست عادی شورای امنیت سازمان ملل ارائه می‌شود که چهاردهمین گزارش دبیرکل سازمان ملل درباره اجرای قطعنامه ۲۳۳۱ و برجام ۱۹ دسامبر (۲۸ آذرماه) برگزار شد. در گزارش آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل، به شورای امنیت درباره قطعنامه ۲۳۳۱ که پانزدهمین گزارش او در این زمینه است و یک روز پیش از تشکیل نشست شورای امنیت برای بررسی این گزارش به طور رسمی منتشر شده، آمده است که «تداوم عدم پیشرفت در جهت بازگشت به اجرای کامل و مؤثر برجام و قطعنامه ۲۳۳۱، با وجود تأکید مجدد همه شرکت‌کنندگان و آمریکا در دسامبر ۲۰۲۲ مبنی بر اینکه این تنها گزینه قابل اجراء است، ناامیدکننده است.» در ادامه بند‌های گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد که شامل ۲۲ بند است، گوتش هم‌زمان از ایران و ایالات متحده درخواست همکاری متقابل بیشتری داشت و در این راستا عنوان کرد که «من مجدداً از آمریکا درخواست می‌کنم که تحریم‌های خود را همان‌طور که در برجام ذکر شده، لغو یا معاف کند و معافیت‌ها را درباره تجارت نفت با ایران تمدید کند.» دبیرکل، هم‌زمان از جمهوری اسلامی ایران درخواست کرد از انجام اقدامات بیشتر که این کشور را از اجرای کامل برجام دور می‌کند، خودداری کند و اقداماتی را که از جولای ۲۰۱۹ انجام داده و متعهد شده است که این اقدامات قابل برگشت است، بازگرداند. علاوه بر این به گفته این دیپلمات رشد سازمان ملل، لازم است جمهوری اسلامی ایران به دقت دیگر تکراری‌های مطرح‌شده از سوی اعضای برجام و دیگر کشورهای عضو درباره قطعنامه ۲۳۳۱ (۲۰۱۵) را بررسی و به آنها رسیدگی کند؟

در نشست پنجشنبه چه گذشت؟

اما پس از انتشار پانزدهمین گزارش گوتش (یک روز قبل از برگزاری نشست شورای امنیت)، اعضای دائم و غیردائم این شورا، نشست خود را روز پنجشنبه به وقت محلی در نیویورک با یک حاشیه بزرگ شروع کردند که ناظر به حضور نماینده اوکراین در این نشست بود. در ابتدا، نماینده روسیه در شورای امنیت نسبت به حضور اوکراین در نشست اعتراض کرد بنابراین انگلیس و عضوان روسیه، شورای امنیت، حضور اوکراین در این نشست را به رأی گذاشت که نهایتاً ۱۲ کشور به حضور اوکراین در این نشست رأی مثبت، دو کشور رأی منفی و یک کشور رأی متنع دادند. قبل از رأی‌گیری، واسیلی نینزبا، سفیر و نماینده روسیه در سازمان ملل متحد در نشست شورای امنیت برای بررسی اجرای قطعنامه ۲۳۳۱ ادعاهای آمریکا و غرب علیه ایران درباره ارسال پهپاد از ایران به روسیه را رد کرد. نینزبا در اظهارات خود به تحریف در شهادت درباره همکاری ایران با ژانسی بین‌المللی انرژی اتمی اشاره کرد و با استناد به تصاویر جعلی ادعایی مبنی بر استفاده روسیه از پهپادهای ایرانی علیه اهداف اوکراین، غرب را مقصر ضعیف مستقیم و عمدی چشم‌انداز احیای برجام دانست. در مقابل رابرت وود، سفیر و معاون نمایندگی دائم آمریکا در سازمان ملل در این نشست دوره‌ای شورای امنیت با تکرار اتهامات قبلی و اشنگتن ادعا کرد که ایالات متحده آمریکا به شدت نگران استفاده روسیه از پهپادهای ایرانی است و ایران و روسیه قطعنامه ۲۳۳۱ را نقض کرده‌اند. رزمزی‌دی کارلو، معاون امور سیاسی دبیرکل سازمان ملل، هم در جریان نشست شورای امنیت برای بررسی برجام (توافق هسته‌ای) و اجرای قطعنامه ۲۳۳۱، در بیانیه‌ای با ادعیهایی مشابه با گزارش دبیرکل، احیای توافق هسته‌ای و دیپلماسی را تنها راه رسیدگی مؤثر به مسأله هسته‌ای ایران دانست.

ایران در نشست چه گفت؟

امیرسعید ابروانی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل، روز پنجشنبه ۱۴ تیرماه در نشست شورای امنیت درباره اجرای قطعنامه ۲۳۳۱ در ابتدا با مخالفت یا دعوت از اوکراین در این نشست و قطعنامه ۲۳۳۱ یادآور شد که «نشست مطلقاً هیچ ارتباطی با بحران اوکراین ندارد.» دیپلمات ارشد کشورمان، «این اقدام رانه سازنده و به‌مرام با حسن نیت دانست» و در عوض تأکید کرد که به نظر می‌رسد «این دعوت تلاشی بدبینانه برای منحرف کردن توجه از موضوع مبرم در دست، یعنی اجرای برجام و عدم پایبندی و قصور برخی از طرف‌های غربی در انجام تعهدات خود تحت این توافق است.»

یک بیانیه

ترونیکی اروپایی پس از پایان نشست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل و به‌رغم توضیحات امیرسعید ابروانی، در بیانیه‌ای مشترک مدعی شدند که ایران هیچ توجیه غیرنظامی معتبری برای غنی‌سازی‌های سطح بالای خود ندارد. فرانسه، انگلیس و آلمان روز پنجشنبه در این بیانیه مشترک خود عنوان کردند که ایران برای چهار سال تعهدات هسته‌ای خود را به‌طور جامع اقدام مشترک را نقض کرده و برنامه هسته‌ای این کشور به سطح خطرناکی رسیده است. در بخش دیگری از بیانیه نیز ترونیکی اروپایی بار دیگر ادعای ارسال پهپاد به روسیه را تکرار کرد.